



بازخوانی یک نشست کارشناسی حول محور راهپیمایی اربعین

عمود حیرت

سیدحسین شهرستانی

بامعنازدایی، زیبایی زدایی وسیاست زدایی از حوزه زیارت روبه روهستیم

غلبه تقلیل گرایانه گفتار جامعه‌شناسانه در این حوزه، بحرانی است که گریبان گیر مطالعات زیارت شده است. گفتار جامعه‌شناسانه (یا بهتر است بگوییم شبه‌جامعه‌شناسی)، حوزه مطالعات زیارت را دچار بیماری کرده است، به خصوص برای ما که در متن یک حادثه خودمان را به تحلیل می‌کشانیم، گفتار جامعه‌شناسانه کافی و جوابگو نیست؛ چرا که جامعه‌شناسی دین اساساً حوزه مطالعه دیگری در امر مدرن است. به این ترتیب نوعی دیگری سازی در مطالعه شناختی وجود دارد. در اینجا بحران آن است که تنشی میان سوژه و ایزه مطالعه در کار است که به سادگی قابل رفع نیست. طرح مطالعات جامعه‌شناسانه در حوزه اربعین، هم ما را به لحاظ سیاستگذاری عقیم می‌کند و هم به لحاظ زیبایی‌شناسانه، امکان دریافت‌های زیبایی‌شناسانه‌ماز پدیده زیارت و اربعین را به طور کلی منهدم می‌کند. الهیات اجتماعی، پل و میانجی بین گفتار خالص کلامی-دینی و گفتار علمی-جامعه‌شناختی است. گفتار جامعه‌شناختی عقیمی که نمی‌تواند به معنای درونی زیارت توجه کند و تقرب به آن پیدا کند و گفتار منبری و دینی که نمی‌تواند ژرف کاوی در این پدیده کند و در متن سیال این پدیده باقی مانده و تبدیل به یک گفتار منبری شده است. الهیات اجتماعی زیارت و به طور کلی الهیات اجتماعی مناسک دینی، یکی از ضروریات اساسی جامعه علمی کشور و مواجهه با پدیده‌های نوظهور دینی است. قلمرو نظری الهیات سیاسی زیارت، در میانه قلمرو سیاست و سیاستگذاری، هنر و زیبایی‌شناسی، علم و دین قرار گرفته است، یعنی بین این چهار گفتار سیاسی، علمی، دینی و زیبایی‌شناسی، می‌تواند یک میانجی باشد؛ چرا که گفتار الهیاتی پرتو معنایی را به واقع اربعین می‌افکند. این پرتو معنا جز از قلمرو الهیات اجتماعی طلوع نمی‌کند. در غیاب طرحی الهیاتی، ما با معنازدایی، زیبایی زدایی و سیاست زدایی از حوزه زیارت روبه‌رو می‌شویم که نتیجه غلبه تقلیل گرایانه گفتار جامعه‌شناسانه است. طبعاً در این گفتار این پژوهش جامعه‌شناختی نیست که نقد می‌شود، بلکه دیسکورس یا گفتار جامعه‌شناختی نیست و جوهری ایدئولوژیک یافته، مورد نقادی است. از قضا همین گفتار جامعه‌شناختی است که مانع از شکل‌گیری پژوهش‌های علمی و متین اجتماعی می‌شود.

راهپیمایی اربعین یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اجتماع انسانی در ۱۰ سال گذشته است و بررسی ابعاد این رخداد مهم از منظرهای متفاوتی محل بررسی و البته حیرت صاحب نظران بوده است. کارشناسان علوم انسانی از جنبه‌های مختلفی به این پدیده نگریسته‌اند. آنچه در اینجا می‌خوانید بخشی از یک نشست کارشناسی است که در آبان ماه ۱۳۹۸ صورت گرفته است. جمعی از کارشناسان علوم انسانی، اجتماعی، هنر و رسانه، در قالب نشست با عنوان «حکمت اربعین» از منظرهای گوناگون به موضوع اربعین پرداختند. آنچه می‌خوانید بخش‌هایی از اظهارات این کارشناسان که حاوی نکات جالبی است.

محمد هادی محمودی

اربعین باطن شهری است که در دفاع مقدس دنبالش بودیم

فاصله امروز مردم ایران با عراق بسیار کمتر از گذشته شده است؛ چرا که ما با عراقی‌ها در دو مواجهه کاملاً متفاوت طی چند دهه گذشته روبه‌رو هستیم. یکی از آنها مواجهه با جنگ و دیگری مواجهه با مهمانی است. تاریخ روابط ایران و عراق ما را با دو انگاره روبه‌رو می‌کند؛ یکی از آنها جنگ و رزم است و دیگری به مهمانی و بزم مربوط می‌شود. ایرانی‌ها با چه ویژگی‌هایی و به لطف چه یافته‌هایی می‌توانند شهامت داشته باشند؟ به لطف یافت بیگانه و پذیرایی از آن این امر محقق می‌شود. این پذیرایی از بیگانه است که فرصت‌آشنایی با دشمن و پذیرایی از آن را فراهم می‌کند. جنگ هم در خونین‌ترین لحاظ خود دارای آداب، جزئیات، مناسک و گفتار است. مادر جنگ تخمیلی بیگانه را به جای آوردیم و با عراقی که به ما حمله کرده بود، آشنا شدیم. در این جنگ صاحب مناسکی شدیم. به نحوی که عده زیادی که در جنگ بودند خواهان ادامه جنگ بودند، نه به واسطه جنگ و خونریزی، بلکه به خاطر شهری که در آنجا برپا شده بود، و این شهر بار دیگر در اربعین گشایش می‌یابد. اربعین به معنایی دیگر می‌تواند باطن فتح شهری باشد که ایرانی‌ها در دفاع مقدس در پی آن بودند. به این ترتیب باز هم این ماجرا تکرار می‌شود و این به جای آوردن و به جای نیارودن تکرار می‌شود. اگر ایرانیان بتوانند در این نقطه مقاومت و ایستادگی کنند زمین ایران هر روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود، تاجایی که عراق و تمامی سرزمین‌هایی که با ایران مراد دارند در سرزمین ایران سکونت خواهند داشت. مادر مرحله اول خودمان را در دیدار با عراقی‌ها و عراقی‌ها را در دیدار با خودمان به عنوان بیگانه شناختیم. همچنین در مرحله دوم در اربعین خودمان را در دیدار با عراقی‌ها به عنوان مهمان و عراقی‌ها را به عنوان میزبان شناختیم. به این ترتیب به این مسیر کشانده شدیم که می‌تواند بار دیگر سنت‌های میان ما و عراقی‌ها را بازخوانی و ما را در این نقطه نگه دارد تا اینکه راه آینده سیاست‌های خارجی ما با تمامی کشورهای دیگر را مشخص و هموار کند.

میلاد دخاچی

شاهد یک پلورالیسم شیعی در اربعین بودم

مشاهدات وجه جامعه‌شناسی من از اربعین نشان می‌دهد آن چیزی که مناسبات اربعین را رقم زده‌اند، اتفاقاً مناسبات عشیره‌ای و قبیله‌ای مردم عراق است. در واقع اگر امنیت و گفتمان معطوف به عشیره و قبیله آنها نبود این مناسبات شکل نمی‌گرفت. به طور خاص این اتفاق (مناسبات راهپیمایی اربعین) شکل نمی‌گرفت اگر ضعفی در دولت مرکزی عراق نبود. من از بدو ورود به عراق تا زمان بازگشت از راهپیمایی (state / دولت) را حس نکردم، state حضور دارد اما ضعیف است. شما در راهپیمایی اربعین، شاهد یک تکثر هستید و یک پلورالیسم شیعی را می‌بینید که از مسلک‌ها مختلف حضور دارند. از همه مهم‌تر حجم این فستیوال است که می‌تواند افراد را در هر موکب پناه دهد، وسیله خواب و خوراک فرد را تامین می‌کند و روانه منزلگاه بعدی می‌کند تا برسد به قرارگاه مرکزی. این جنبش و فستیوال مذهبی در قرن حاضر نمونه‌ای ندارد که افراد در چنینی حجمی در یک مناسک مذهبی شرکت کنند و روی نظم قبیله‌ای عشیره‌ای و در غیبت دولت مرکزی، سامان دهد. اگر همین جوان‌های عراقی که در فضای قبایل و عشایری جمع شدند و در این اجتماع خدمت‌رسانی می‌کنند، قرار بود در قالب همین چیزهایی مثل استارت‌آپ و فرم‌های مدرن عمل کنند، این اتفاق با این عظمت رقم نمی‌خورد. مشاهده دیگری هم دارم که بی‌ارتباط با مشاهده اول نیست و آن وضعیت خود عتبات یعنی نجف و کربلا بود. وضعیت و ساختار شهری عتبات، بسیار شبیه شهرهای زیارتی ایران است. اینکه چگونه عتبات استعاره‌ای هستند از وضعیت امروز ما و از آن چیزی که قدرت در غایت خودش می‌خواهد به آن برسد. در این شهر شما گشت ارشاد نمی‌بینید اما همه زن‌ها چادر سرشان است. به نظر می‌رسد آن چیزی که ایران به مثابه یک ساختار سیاسی در غایت خودش می‌خواهد مدل‌سازی شده‌اش در آن چیزی است که در عتبات می‌بینیم. فقط فرقی این است که این عتبات بزرگ‌تر که حالا شده ایران؛ باید امنیت خودش را حفظ کند، باید انرژی هسته‌ای داشته باشد و برای اینکه باید اینها را داشته باشد سراغ مدرنیته می‌رود. مدرنیته را در راستای حفظ آن آرمان‌شهرش می‌خواهد اما هیچ وقت امکان مبادله معرفتی با مدرنیته ندارد و نمی‌خواهد داشته باشد.

